

جهت گیریهای امروزی ما و ریشه های فلسفی آن

پیوسته به گذشته بخش هشتادونهم



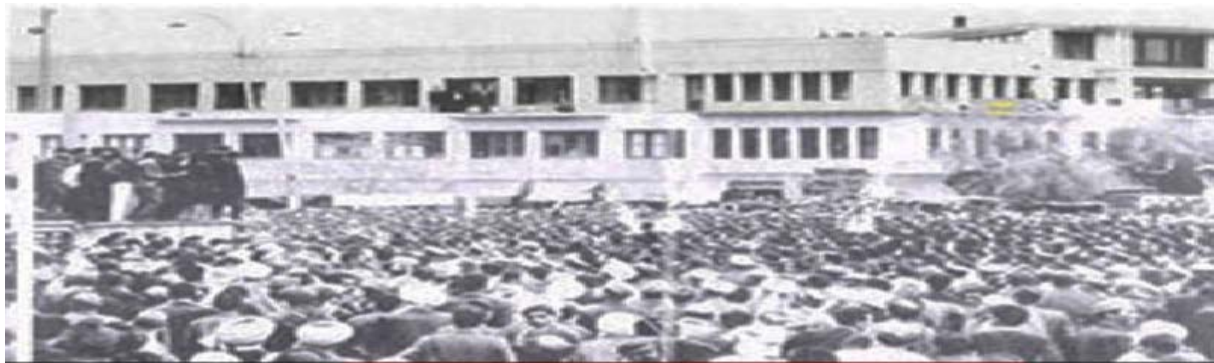
محمدامین فروتن

مذهب اگر پیش از مرگ به کار نیاید
پس از مرگ به هیچ کاری نخواهد آمد



در یکی از یادداشت های قبلی ام پارک تاریخی زرنگار کابل را به میدان معروف واتیکان روم که روزی و روزگاری میعاد گاه اندیشمندان و دیگر اندیشان بود مقایسه نموده بودم و در همان یادداشت نیز به عرض رساندم که اگر همان هلهله و شور و شعف روشنفکران جامعه ما که برای تغییر اساسی و اصلاحات بنیادی در جامعه افغانی هم اندیشان و دیگر اندیشان نسخه های را می نوشتند و با بیان

افکار و اندیشه های گوناگون که از لود سپیکر های پارک زرنگار به گوش مردم فقیر ما میرسید و آن نسخه های زرینی را به فرهنگ جامعه فقیر افغان مبدل میساختیم ،



سوم عقرب ۱۳۴۴

بدون شک که ما نیز بحیث یک ملت دارای فرهنگ پر بار و ارزشهای متعالی انسانی میتوانیستیم در جهان معاصر نقش و حضور فعالی را ایفا نمائیم و در مسیر راه از مرحله **"اعتراف"** به درجه **"ایمان"** ارتقا یابیم چنانچه قبلاً اشاره نموده ام رقابت میان همه دین باوران و یاهم بی باوران به مفاهیم مذهبی در راستای اصلاح عمومی نظام سلطنتی با یک بیان خوب فلسفی و علمی تبلور پیدا میکرد . اما با دریغ و تأسف که خود کامه گی های عمومی و فقر فرهنگی برخی از زمامداران حاکم و شبه روشنفکران مجلسی و علمای حجره ای سبب شد تا امروز و در قرن بیست و یکم هرچه نسخه مینویسیم ، دسته و حزب و گروهی میسازیم نه تنها موجب حرکت و جنبش عمومی مردم ما نه شده بلکه هرچه پیش میرویم به گذشته نفرت انگیز جاهلی رجعت میکنیم . نفرت ها و کینه ها را بروز روشن آنچه را که اصولاً دین مقدس اسلام برای زدودن آن مناسبات جاهلی ظهور نموده است با دین مقدس اسلام توجیه می نمائیم و در مقابل برخی از بی باوران و نا خبران از مفهوم اصلی **دین** با همان روحیه نفرت انگیز جاهلی و طاغوت نفس رپ روشنفکران آزادی خواه و عدالت طلب جوامع اسلامی را که تلاش میکنند دامن **دین** بویژه اسلام را از هر نوع خشونت و کشتار مبراً و پاک سازی کنند ، در تبنای با شوالیه های که لباس سکولاریزم را نه "معتقدان بر فرآیند سکولاریزاسیون" برتن کرده و در راه تقویت و حمایت از نظام های غارتگر سرمایه داری شمشیر میزنند اسلام را **دین** برده گی و کشتار معرفی میکنند

<https://www.youtube.com/watch?v=h55JJSN94tl>

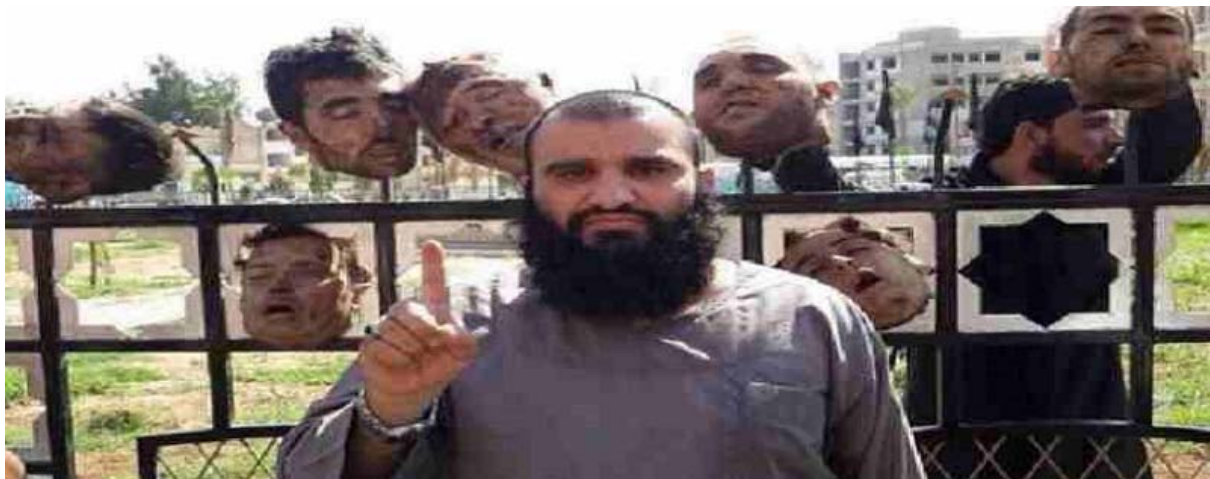
[اینجا دیالوگ یکی از تیوری پردازان جهان سرمایه داری را می شنوید و میبینید که چگونه به مسأله اخلاق در دین با نگاه مغالطه آمیز می نگرند؟](#)

جالب و شگفت انگیز است که برای به کرسی نشاندن این منطق معیوب بر برخی منبر های فرمائیشی و سرکاری استناد میکنند تا گویا ثابت ساخته باشند که برآستی هم دین اسلام دین خونریزی و جنایت است !! نباید تعجب کرد که این پادو های نظام سرمایه داری بویژه با شیوه مافیائی و کانگستری آن که ویروس کشنده اش درخت تنومند تمدن و فرهنگ ما را از چهارده سال بدینسو مصاب به بیماری مزمن ساخته است به جایی موشگافی و پرداختن به عوامل اصلی این کشتارها و خونریزی ها علت را

در عواملی جستجو میکنند که در عقب نگاهداشتن جامعه باستانی ما نقش اول را نداشته اند . از اینکه ما متسبب او به جامعه ای هستیم که همگام با دیگر جوامع بشری در امتداد تاریخ مردمان این خیطه با علم و خرد زندگی نموده ایم بنا سخنان ضد دینی یک آخند فاسق و فاجری را که با استناد بر آن دشمنان علم و پیشرفت جامعه مجروح ما فتوی صادر میکنند و دین را وسیله عقب ماندگی و جنایت می دانند . اما شاید نه میدانند که مسأله صدور چنین فتوی ها به این ساده گی نیست بلکه مردم در عصری که ما زندگی میکنیم عوام کالانعام مانند قرون وسطی نیستند بلکه بر حدود و ثغور جهان بینی شکمی این به اصطلاح فتوی دهنده گان واقف هستند . و میدانند که استعمار نو چگونه پروژه مسخ **دین رحمانی** و **انسانی** را به زنگیان مست و شمشیر بدستی سپرده اند که بر هیچ موجودی رحم ندارند . اما بیاید آنچه را که این آخند نه تنها با اغلاط فروان نحوی و گرامری متن قرآن پاک بالای منبر جهالت رفته است و به کار منفعت آور پروژه مسخ ادیان مشغول است بلکه در بسیاری زمینه ها بر قرآن پاک تهمت می بندد و با ارائه اراجیف ننگینی بنام آیه های از قرآن تهمت های سنگینی بر آن می بندد بشنویم تا بدانیم که استعمار معاصر و مجهز با ابزار مسخ ارزشهای انسانی تا چه حد در برابر اسلام رحمانی که با قرئت عقلانی و اجتهادی در صحنه تقابل اندیشه های معاصر قرار دارد به ذلت افتاده است ؟ و از سوی دیگر همین قدرت های استعماری با چه اسلوب های فکری و فرهنگی و کدامین تاکتیک های سیاسی متوصل شده اند ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

ببینید عزیزان ! که این آخند در مانده و بیچاره شده با چه وقاحت و مهارتی و چه انگیزه و غایه ای ظهور دین مقدس اسلام را مسخ می کند ؟ و چگونه دشمنان تابلودار دین اینگونه چرندیات و لاطائلات را به مثابه اسناد معتبر دینی و فقهی محسوب میکنند ، چنانچه جوان ناپخته و عقده به دلی بنام **اسد بودا** وقتی اینگونه اظهارات را می بیند و می شنود قلم را می گیرد و تمامی جنایاتی را که گروه جنایتکار موسوم به دولت اسلامی یا داعش انجام میدهد آن جنایات را در مطابقت با قرآن و کتب مقدس دینی می داند . که وی در یکی از بخش های چرندیات نامه اش که بنام **"برخورد های آخرت گرایانه با ترور"** برشته تحریر در آورده اند بدون اندکترین مطالعه ای و پژوهشی در قسمتی از آن طومار نامه تروریستی زیر عنوان " اما اسلام " چنین استنباط میکند : بسیار مسخره است اگر در دنیای امروز کسی مانند محمد همزمان نه تا زن در خانه نگهدارد و یا در پیرانه سری با دخترک خردسالی ازدواج کند . مطابق قانون سکولار ، محمد نه تنها پیامبر نیست ، بلکه به مرض روانی کودکخواهی گرفتار است و باید محاکمه و مجازات شود . بنا نهادن زندگی جمعی بر اساس دریافتهای کسی که قادر به خواندن و نوشتن نیست ، غیر معقول و تباهی آور است . اگر محمد نتواند کاراکتر مناسب با زندگی معاصر باشد ، قصه ای خلفا از پایه مفت می شود . اگر قرار است یک نسخه ای امروزی برای امام علی پیدا کنیم ، فردی مناسبتر از ابوبکر بغدادی وجود ندارد . هر دو سرگرم جنگ داخلی و در پی براندازی «دشمن قریب» اند .



البته نباید گفت که تنها این اسد بودا است که با دیدن چهره داعشی از دین اسلام با این صراحت شمشیر کشیده است و همه متون دینی را با ساطور جلادان ارزشهای انسانی و تمدنی با بی رحمی به قتل میرسانند وقتی این جوان عقده مند در برابر جباران تاریخ چشم اش به آن ملای دهکده ای از اهالی هزاره جات می افتد و می بیند که آن آخند قریه برای چپاؤل و غارت مال و املاک ساکنان محروم دهکده هزاره جات چه شیادی هاو ترفند های را بکار می گیرد طبیعی است که فریاد بر می آرد و از دین مقدس اسلام انزجار اش را اعلام می کند زیرا مجموعه شرائط غیر عادلانه زندگی وی و صد ها جوان دیگر به ظاهر متدین را وا داشته است که اینهمه فریاد کنند وبا بانگ نفرت از دین مؤبدان راهی هجرتی شوند ، وقتی در جمع انبوهی از کاهنان مهاجر جوانان رشیدی را می بیند که جوقه ، جوقه به بیگار برده میشوند وبنام خدا به جنگ دو گروهی که باهم می جنگیدند و بدون آنکه با هم بشناسند در معامله قرار می گیرند و با پشت شان هایشان سنگهای عظیمی را حمل میکنند تا قصر های مؤبدان مذهبی را بر فواره های خونی از ستمدیده گان اعمار کنند . وقتی تاریخ زرین و عادلانه پیکار مسلمانان با نگاه غنیمتی از زبان کاهنان مذهبی سینه به سینه به نسل های آینده منتقل شود طبیعی است که آن اسد بودا تمام جنگ های مسلمانان منجمله قیام تاریخی کربلا را جنگ ها برای غنیمت بخوانند و آنرا "جنگ برادران ناراضی" بنامد اما در حوزه دیگری از دینمداران نیز که خود را هواداران اهل سنت و جماعت می خوانند و فکر میکنند که برداشت از قرآن پاک و ایجاد حکومت اسلامی بر پایه های تاریخ مذکر و مردانه استوار است و هر که بیشتر بکشد اجر و ثواب بیشتری را نصیب میشود و باز هم نباید تعجب کرد که چگونه این آدم های که به نرخ روز نان می خورند و از دین به مثابه گاو شیری استفاده میکنند به این تحلیل معیوب رسیده اند ؟ با کمال احترام به شخصیت فزینی جناب عمر خطاب متصدی شبکه تلویزیونی پیام افغان که در مذمت دولت مافیائی حاکم بر افغانستان آنرا بخاطریکه احکام اسلام راستین و شریعت اسلامی را آنچنانکه خداوند در قرآن امر فرموده اجرا نه میکنند دریکی از برنامه های تلویزیونی اش اینگونه مطالب و ارشادات ارائه فرمودند

<https://www.youtube.com/watch?v=4qQU9iY9yRo>

البته جناب عمر خطاب که ریاست یک شبکه سیاسی را با سرمایه گذاری کسی بنام شهرام همایون که از امریکائی های ایران تبار و خود مالک چندین شبکه تلویزیونی است بر عهده دارد فقط به روال ضرب المثل معروف که می گویند " پهلوان زنده خوش است " دکلمه تفسیر کابلی را که با آواز طنین انداز آقای عمر خطاب از اکثر شبکه های رادیویی و تلویزیونی برای تمامی زندگی سیاسی خود کافی

میداند و به اعتراف خودش وی از معنی و تفسیر قرآن چیزی زیادی آگاهی ندارد و تنها تلاوتی را که قاری مشهور افغانستان و منطقه جناب برکت الله سلیم با لحن زیبای قرئت نموده و توسط جناب مرحوم کشکی ترجمه شده است با آواز خود دکلمه نموده اند. که نمونه فعالیت های جناب عمر خطاب نیز خدمت شما عزیزان تقدیم است .

<https://www.youtube.com/watch?v=NvpYyNTNZJI>

ام اکیداً باور داریم و با صراحت اعلام میداریم که این هاست بزرگترین خطرات و دهشتناکترین خطاها و انحرافها و ناهنجاریها و سقوط های غیر قابل تحمل که در محیط اجتماعی و در جهان امروزی بنام دین انجام می شوند . زیرا این ایراد ها که بحیث دلهره های اساسی روشنفکران امروزی شناخته میشوند زاده عوامل تاریخی است که با درد و دریغ تابوت **دین** و معنویت را مظلومانه بر شانه های از خرافات و تحجر حمل میکنند تا در قبرستان زندگی خصوصی انسان ها به خاک بسپارند . عوامل فلسفی و مکانیزم این مغالطه تاریخی را در آینده به بیان خواهم گرفت .

